Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

نقد و بررسی میزان هم آوایی مدخل "آیات شیطانی" با منابع اهل سنت در دایره المعارف لایدن

مریم فرضی[1]
عباس همامی[2]

چکیده

مدخل "آیات شیطانی" نوشته‌ی یکی از خاورشناسان به نام "شهاب احمد" است که در دائرةالمعارف قرآنی لایدن به چاپ رسیده است، نویسنده مدخل با مراجعه‌ای که به منابع تفسیری و گزارشهای روایی اهل سنت داشته است به بررسی تاریخ افسانه غرانیق پرداخته است "شهاب احمد" در مقاله خود پس از ذکر نامها و نامگذاران این جریان به آیات و متون تفسیری اشاره کرده است و گزارش‌هایی از منابعی که تحلیل‌هایی بر آن وارد نموده‌اند و نیز شمه‌ای از ارزیابی آنها را بیان کرده است و در نهایت نیز، انعکاس آن در دوران معاصر و در منابع مسلمانان را به تصویر کشیده است ضمن آنکه نویسنده در بخشی از سخن خود با استفاده از قرینه عصمت، در کنار نقل گسترده‌ای که از ماجرا ارائه می‌دهد چنین گزارش می‌کند که ماجرا نمی‌تواند آنگونه که نقل شده است رخ داده باشد. در مورد منابع مقاله، "شهاب احمد" به تفاسیر مفسرانی چون طبری، ابن کثیر، ابن عربی، ابوحیان فخررازی، جلالین و... مراجعه داشته است. تفاسیر ناقل و نافی شبهه در منابع وی دیده می‌شود و تلاش کرده ـ هرچند به تناقض‌گویی روی آورده ـ تا دیدگاههای دو گروه را منعکس نماید. این نوشتار به نقد و ارزیابی مدخل یادشده پرداخته است، با این رویکرد که بررسی دیدگاههای خاورشناسان لایدن در حوزه‌ی آموزه‌های دینی به ویژه مباحث قرآنی که مربوط به انبیای راستین بوده است، فضای فکری و انگیزه‌های اندیشمندان غیر مسلمان را تا اندازه‌ای پیش روی مسلمانان قرار می‌دهد؛ به علاوه تلاش می‌شود در ادامه‌ی تحلیل و بررسی دیدگاههای نویسنده، به میزان هم‌آوایی و هم سویی دیدگاههای مندرج در مدخل با منابع اهل سنت نیز پرداخته شود و نیز پس از بررسی سند و محتوای کلی منابع بهره‌برداری شده در مدخل، به قرآن، روایات و بدیهیات عقلی مراجعه و در نهایت توجیهات ناقلان گزارش‌ها، مورد کنکاش و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: خاورشناسان، شهاب احمد، مدخل، آیات شیطانی، عصمت، هم‌آوایی با اهل سنت.

---

۱. دانش آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲. استاد گروه علوم قرآن وحدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (عهده‌دار مکاتبات).
hemami2030@gmail.com

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

مقدمه و طرح مساله

در موضوعات مهمی که برخی مستشرقان در حوادث تاریخی وروایی صدر اسلام به آن دامن زده‌اند داستان سراسر جعلی قصه غرانیق است "بنابر داستانی که تعدادی از سیره‌نویسان اهل سنت نقل کرده‌اند عبارت "تلک الغرانیق العلی وان شفاعتهن لترجی" هنگام نزول سوره نجم در مکه توسط شیطان به پیامبر القاء شد، ایشان بدون آنکه توجه داشته باشند آن را تکرار کردند و این مناقشه به عنوان موضوعی بر همراهی پیامبر(ص) با قریش تصور شد و در برابر پیامبر(ص) تغییر رفتار دادند، پس از آن، همین عبارت به ضمیمه‌ی این قصه ساختگی از جانب راویان سطحی‌نگر، درون‌مایه اصلی نگارش‌های برخی خاورشناسان شد تا بدون واکاوی و مراجعه به منابع اصیل و محققانه‌ی شیعیان که به هیچ روی چنین قصه‌های مجعولی را بر ساحت پیامبر(ص) برنمی‌تابند بیشترین تردیدها و بعضا تهمت‌ها را بر مخاطبان خود القاء نمایند.

ساختن خرافات و قصه‌های موهوم و وارد کردن آنها در مسیر تفاسیر پیامبر و اهل‌بیت، همواره یکی از روش‌های مرسوم معاندان و نیز تعدادی از خاورشناسان بوده است که در تلاش بوده‌اند تا در جهت تخریب شخصیت والای پیامبر(ص) و زیر سوال بردن آموزه‌های اساسی چون عصمت و وحی خاستگاه وحیانی پیام‌های الهی و در صدر آن قرآن را زیر سوال برند.

مدخل "آیات شیطانی" در دائرة المعارف قرآنی لایدن نیز تا حدودی ازاین قاعده دور نمانده است؛ موضوعی که نویسنده مدخل آیات شیطانی "شهاب احمد" در دائرةالمعارف لایدن به صورتی زیرکانه ودر عین حال ضمنی وپنهانی به آن پرداخته است و در نهایت، مخاطب خود را با تقریر شبهه‌ای قابل تامل و افسار گسیخته درباره عصمت وحیانی پیامبر اسلام (ص) رها می‌کند.

۱ـ گزارشی از طرح کلی مدخل آیات شیطانی در لایدن

مدخل آیات شیطانی یکی از مجموعه مقالات نگارش یافته در دائرةالمعارف لایدن

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

بوده و نویسنده آن "شهاب احمد"[1] خاورشناسی پاکستانی الاصل است.

با بررسی و پژوهش در مداخل لایدن به دست می‌آید که از مهمترین مدخلی که به طرح موضوع (قصه غرانیق) با عنوان آیات شیطانی پرداخته مقاله‌ی پیش‌رو بوده است که به شرحی مفصل از منابع تفسیری مأخوذ از اهل سنت و نیز تا حدودی، شرح دیدگاه‌های ناقل و نافی فرقه‌های مسلمان پرداخته است.

طرح کلی مقاله را می‌توان شامل این موارد دانست:

یکم: نقل گزارش‌های متعدد از ماجرای آیات شیطانی در دو سده نخست اسلامی

دوم: اشاره به برخی جزئیات یادشده از این قصه جعلی در متون تفسیری

سوم: نقل گزارش‌هایی از انتقادات شدید نسبت به ماجرای آیات شیطانی

چهارم: گستردگی آموزه‌های عصمت از قرن سوم به بعد و توافق متکلمان اسلامی بر سر عدم پذیرش موضوعات منافی عصمت پیامبر (ص)

پنجم: عدم پذیرش روایات قصه غرانیق از جانب تجددگرایان اسلامی به نحوی بسیار محکم و منسجم.

در هر یک از این قسمتها، دیدگاههایی از جانب نویسنده‌ی مدخل ـ بعضاً متناقض ـ عرضه شده که نشان از استنباط نادرست وی از آموزه‌های عصمت انبیاء خاصه نبی‌اسلام(ص) و نیز آیات قرآن دارد ضمن آنکه پیش‌فرضهای ذهنی نویسنده مدخل هم در اتخاذ نتیجه‌گیری نهایی موثر بوده است.

---

1. Dr. Shaheb Ahmed "Satanic verses" ibid .vo14.p.531-536.

دکتر "شهاب احمد" پاکستانی الاصل است وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه آمریکایی قاهره دریافت کرده و دکترای خود را در همین رشته تحت نظر مایکل کوک اتخاذ کرد وی پس از گذراندن دوره پسادکترا به هاروارد رفت و پس از طی کردن این دوره در همان دانشکاه تا همین اواخر نیز مشغول به تدریس بود. جهت اطلاع بیشتر نکـ: لازم به ذکر است که این مدخل به همت انتشارات حکمت و توسط مهرداد عباسی در جلد اول ترجمه‌ی دائرة المعارف لایدن ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۱ـ۱. نقاط قوت مقاله

مهمترین موارد قوت مقاله آیات شیطانی به قرار ذیل است:

۱ـ نویسنده، مراجعه قابل قبولی به منابع تاریخی اهل سنت داشته و جریان شکل‌گیری قصه غرانیق را ـ براساس منابعی که استفاده می‌کند ـ تا حدودی مناسب گزارش می‌دهد. اگرچه نویسنده رویکرد پژوهشی خود را براساس منابع تفسیری و تاریخی اهل سنت استوار کرده است اما در همان راستا، در ارائه‌ی سیر تاریخی گزارش‌ها موفق عمل کرده است.

۲ـ نویسنده در بخشی از مدخل می‌نویسد: "شیعه از آموزه‌های عصمت که نزد آنها اعتقادی اساسی است به موثرترین و منسجم‌ترین شکل دفاع کرده است بنابراین به نظر می‌رسد هیچ یک از فرقه‌های شیعه ماجرای آیات شیطانی را هرگز نپذیرفته‌اند... (همو، ۹۶/۱). این مطلب، دیدگاه راسخ شیعه را مورد تایید قرار داده که آموزه‌ی عصمت نزد شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد از این‌رو اعتراف نویسنده به حقانیت شیعه در خصوص عدم پذیرش قصه غرانیق و انصاف وی در گزارش این موضوع را از موارد مثبت مقاله می‌توان برشمرد.

۱ـ۲. نقاط ضعف مقاله

مقاله آیات شیطانی دارای نقاط ضعف قابل تاملی است که برخی از عمده‌ترین آنها در ادامه مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرند:

۱ـ ابهام در برخی مواضع و نتایج: نویسنده پس از ذکر و گزارش روایت‌های تاریخی ماجرا در رسیدن به یک نتیجه‌گیری واضح و روشن دچار سردرگمی شده و این مساله را به مخاطب نیز القا می‌کند، وی در بخشهایی از نوشتار خود در چند مورد متعدد این قصه جعلی را یک واقعیت تاریخی قلمداد می‌کند و در جای دیگر به نقل از برخی مفسران و مورخان اسنادهای ماجرای آیات شیطانی را کامل و صحیح نمی‌داند و در بهترین حالت آنها را مرسل دانسته که راویان آنها واقعی واصیل‌اند اما سلسله‌ی سند ناکامل است.

۲ـ حاکم شدن پیش‌فرض‌های ذهنی شهاب احمد در مقاله: متن و نوشتار مدخل آیات شیطانی کاملاً حاکی از آن است که نویسنده درباره عصمت پیامبر و نیز آموزه‌ی وحی پیش

فرضی دارد؛ اگرچه در ظاهر، مراجعه قابل تأملی به منابع اهل سنت دارد اما در نهایت در بیشتر مباحث، پیش فرض خود مبنی بر احتمال عدم عصمت در وجود پیامبر اسلام(ص) را به گونه‌ای زیرکانه حفظ کرده و آن را به مخاطب خود نیز القاء می‌کند!.

۲ـ مداخل هم آوا با مدخل آیات شیطانی در لایدن

مقالات دیگری هم در لایدن تالیف شده‌اند که هم‌سویی قابل توجهی با مدخل مورد بحث در این نوشتار دارند لازم به ذکر است که با مطالعه مداخل مشابه دیگر، هم‌سویی و رویکرد یکسانی از آنان را با مدخل پیش رو شاهد هستیم:

۱) **مدخل حیوانات:** "مطابق دیدگاه برخی مفسران آیه‌ای در قرآن وجود داشته که به سه ایزد بانوی قبل از اسلام... که به آنها درنا (غرانیق) گفته می‌شود اشاره داشته است" (vol.1.p95).

۲) **مدخل جبرئیل:** جبرئیل محمد(ص) را در معراج هدایت کرده و به سبب تصدیق لات و عزی و منات او را سرزنش کرده است "البته نویسنده در ادامه این موضوع را محل مناقشه جدی قلمداد می‌کند" (vol2.p278)

۳) **مدخل حدیث و قرآن:** "پیامبر(ص) در حین تلاوت تاکید کرد که این بتها واسطه‌های خدایند" و آنگاه جبرئیل، محمد(ص)را ملامت کرد!" (vol.1.P95)

۴) **در مدخل محمد(ص):** آیات سوره های حج و اسراء در این رابطه اشاره شده ولی به نقدهای مفسران اشاره و گزارشی نشده است؛ "یک وضعیت منحصر به فرد آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره اسراء است که در آن چیزی نمانده است مشرکان پیامبر(ص) را گمراه سازند و او را به جعل آیات دلپذیر وا دارند تا در ازای آن مشرکان او را دوست خود بدارند... تنها به دخالت خداوند است که او ـ پیامبر(ص) ـ استوار می‌ماند..." (vol3.P454)

۵) **مدخل آزمایش:** نویسنده به آیه‌ی ۵۲ سوره حج استناد می‌کند ولی اشاره‌ای به ماجرای آیات شیطانی و امتحان پیامبر(ص) نمی‌کند وی در انتها می‌گوید "حتی پیامبران خدا از این آزمایش‌ها بری نیستند" (vol5.P.454)

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

بررسی: ماجرای غرانیق از روایات مجعول و بی‌پایه منشاء می‌گیرد و هیچ اعتباری بـه سخنان و اظهارات خاورشناسان در این موضوع وارد نیست و چنـین اتهامـاتی از سـاحت پیامبر(ص) بدور است، در ادامه ی مباحث مقاله به نقد و تحلیل بیشتری خواهیم پرداخت.

۳ـ تاکید نویسنده بر قدمت قصه غرانیق و ارجاع آن به دو سده نخست

"شهاب احمد"، ماجرای آیات شیطانی را با اتکا به منابع تفسیری روایت شـده بـه دو قرن نخست مربوط دانسته و با نام بردن از افرادی چون سعید بن جبیر، ضحاک بن مزاحم، عطیه بن سعد کوفی، قتاده بن دعامه و برخی دیگر تاکید می‌کند که این افراد، داستان مذکور را از ابن عباس روایت و گزارش کرده‌اند، وی با مراجعه به سیره‌ی مغـازی و تعهـدی کـه نسبت به آن نشان می‌دهد چنین نتیجه می‌گیرد که ماجرای آیات شیطانی موضوعی پذیرفته شده درباره‌ی حیات محمد(ص) در حافظه جامعه نخستین اسلامی بوده است و در ادامه با اشاره به گزارش‌های متعدد تاریخی در خصوص این ماجرا و تفاوت در ساختار و جزئیات آن روایت‌ها درصدد برمی‌آید تا تلفیقی از گزارشات متعدد داشته باشد و داستان را چنانچه خود درک کرده و به جمع‌بندی رسیده است بیان می‌کند:

"در سال پنجم بعثت... بی‌دفاع‌ترین مسلمانان برای حفظ جانشان به حبشه گریختنـد... گزارش‌ها نشان می‌دهد که در این اوضاع و احوال محمد(ص) مایل بود که بـا قـریش بـه توافق برسد... سوره‌ی نجم نازل شد... هنگامی که پیامبر(ص) به آیات ۱۹ـ۲۰ ایـن سـوره رسید... شیطان توانست دو آیه را به تلاوت محمد(ص) بیافزاید به گونه‌ای کـه وی آنهـا را وحی الهی پنداشت... تاجایی که وقتی محمد(ص) آیه‌ی پایانی این سوره را خواند، کـافران حاضر همراه پیامبر(ص) به سجده افتادند... (شهاب احمد، ۹۴/۱).

۳ـ۱. نقد و بررسی

نویسنده ادعای خود مبنی بر قدمت افسانه غرانیق به عصر پیامبر (ص) و نیز دو سده‌ی

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

نخست را تنها بر مراجعه به منابع محدود اهل سنت خاصه تفسیر مغـازی، تفـسیر طبـری، زمخشری و ابواسحاق ثعلبی مبتنی می‌کند، پرواضح است که مراجعه محدود در موضـوعی پژوهشی، اعتبار استنتاج مساله‌ی مورد نظر نویسنده را مخدوش می‌نماید؛ حال آنکه حتـی در صورت مراجعه کامل‌تری که می‌توانست به منابع اهل سنت داشته باشد درمی‌یافـت کـه افرادی که از آنها به عنوان راویان معتبر دو سده‌ی نخست نام برده است و ماجرای مـذکور را از ابن عباس گزارش کرده‌اند اساساً یا وجود خارجی در زمان مورد ادعـای نویـسنده ـ پنجم هجری ـ نداشته و یا مورد تایید مورخان و علمای رجال قرار نگرفته‌اند.

مهمترین پاسخ، تحلیل سندی روایاتی است که شهاب احمد آنها را نقل کرده و اسـامی افرادی را به عنوان تاثیرگذارترین راویان آورده است.

۳ـ۲. تحلیل سندی راویان مورد ادعای نویسنده

دو نکته‌ی چالشی در خصوص سند گزارش‌هایی که ایـن مـاجرا را روایـت کـرده‌انـد، مطرح می‌شود:

۱) آیا ناقلان مورد ادعای نویسنده‌ی مدخل، در زمان وقـوع مـاجرای آیـات شـیطانی حاضر بوده‌اند؟

۲) آیا ناقلان مذکور در صورت حضور در زمان وقوع؛ از خصوصیاتی کـه یـک راوی برای پذیرفته شدن روایت باید داشته باشد برخوردارند یا خیر؟

بررسی سوال اول: این نقل‌ها از طرق متعددی گزارش و روایت شده‌اند که با مطالعه کتب تاریخی اهل سنت به حدود یازده طریق روایتی می‌رسیم برخی از این طرق عبارتند از:

الف) طریق سندی ابن اسحاق که روایاتش را طبری در تاریخ و تفـسیرش ذکـر کـرده اسـت سیوطی نیز به نقل روایتی می‌پردازد که به "سُدَی" می‌رسد و گزارش ماجرای مذکور تا حدودی با آنچه در تفسیر و تاریخ طبری آمده تفاوت دارد. (ابن سعد، ۲۰۶/۱؛ سیوطی، ۳۶۷/۴)

ب) سعید بن جبیر؛ وی در حدود سال نود و چهار هجری در حالی که بیش از چهل و نه سال

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

نداشت به دست حجاج به قتل رسید. بنابراین تولد او در سال ۴۶ هق می‌باشد که در اواخر خلافت علی(ع) اتفاق افتاده است. (ابن سعد، همان، ۲۵۶/۶، سیوطی، طبقات الحفاظ، ۳۱)

ج) ضحاک بن مزاحم؛ علمای علم رجال وی را در پنجمین طبقه از طبقاتی که برای راویان ذکر می‌کنند برشمرده‌اند، وفات وی در فاصله سال‌های (۱۵۰ تا ۱۵۶) گزارش شده است. (ابن حجر عسقلانی، ۲/ ۲۰۳، و نیز ذهبی، ۱۶/۴)

د) قتاده بن دعامه؛ وی را در گروه چهارم راویان طبقه‌بندی کرده‌اند، وی متولد سال ۶۰ و متوفای سال ۱۱۷ بوده است. (ابن سعد، همان، ۲۳۰/۷)

ه) عبدالله بن عباس؛ وی سه سال قبل از هجرت متولد شده و در بین راویان این روایت، تنها فرد صحابی شمرده می‌شود. (عسقلانی، ۳۲۶/۲)

با توجه به آنچه مطرح شد و نیز بررسی سایر طرق روایی قصه ساختگی که مشابه موارد مذکورند؛ مشخص می‌شود که روایات این قصه آحاد است و تمامی راویان خبر ابن عباس، در زمره تابعان هستند، هرچند ابن عباس در زمان وقوع ماجرای ساختگی تولد نیافته بود[۱].

آنچه در بررسی طرق نقل این قصه قابل تامل بوده آن است که توجه به حضور یا عدم حضور اشخاص در یک رویداد تاریخی، در نظر گرفتن اقتضائات عصر و روحیات اشخاصی که این رویداد به آنها بستگی دارد و نیز تمام شواهدی که ممکن است وجود افراد و شرائط موجود در حادثه کذایی را تایید و یا تکذیب کند حائز اهمیت است در حالی که به جهت فقدان این خصوصیات در قصه ساختگی غرانیق، درستی و اساس این ماجرا باطل بوده و بطور کلی خالی از ارزش خواهد بود.

بررسی سوال دوم: صاحب "تنزیه القرآن عن المطاعن" معتقد است که نسبت این

---

۱. (نک: رازی فخرالدین، مفاتیح الغیب، ۲۳۷/۲۳) برخی مفسران بر این باورند که جاعلان این ماجرای ساختگی، روایت منسوب به ابن عباس را به جهت شهرت و معروفیت ابن عباس بمانند برخی دیگر از روایات جعلی به وی نسبت داده‌اند تا باورپذیری آن را در اذهان تثبیت نمایند این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که اساساً نسبت دادن طرق متعدد فقط روایی از ناقلان متعدد به این عباس، جعلی و دروغین بودن آن را بیشتر تایید می‌کند (نک: آلوسی، ۱۷۷/۱۷).

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

روایات به حشویه و دیدگاههای آنان برمی‌گردد که عمدتا پایبند به ظواهر و عمل به روایات جعلی هستند (نکـ : رامیار، ۱۶۰ به نقل از تنزیه القرآن عن المطاعن) به علاوه آنکه صاحب "فی ظلال القرآن" هم می‌نویسد: "علمای علم حدیث قائل‌اند هیچ کدام از افرادی که به صحت روایات توجه دارند، این روایت را نقل نکرده‌اند" (سید قطب، ۲۴۳۳/۴).

۳ـ۳. میزان هم آوایی و هم سویی مدخل، با منابع اهل سنت

وجه مشترک خاورشناسانی که در لایدن؛ خاصه در خصوص مباحث قرآنی قلم فرسایی کرده‌اند مراجعه بی‌چون و چرای آنان به منابع و متون تفسیری اهل سنت است؛ "شهاب احمد" نیز با این‌که پاکستانی است در مدخل آیات شیطانی از این قاعده مستثنا نبوده و رویکرد جدی خود را در مراجعه به منابع اهل سنت معطوف کرده است مهمترین منابع قابل مراجعه وی، سیره مغازی؛ معالم بغوی، تفسیر طبری، تفسیر زمخشری، تفسیر جلالین، و نیز تفسیر فخر رازی بوده است، وی از این منابع به عنوان منابع اصلی نام برده است و مراجعه به برخی دیگر از کتب تاریخی اهل سنت را در زمره‌ی منابع فرعی قرار داده است.[۱]

هم‌آوایی و هم جهتی نویسنده مدخل در جنبه‌های لفظ و محتوی با منابع تفسیری اهل سنت، موضوعی بدیهی است، صرف نظر از موضوع بررسی صحت و یا عدم صحت استناد به منابع مذکور به‌طور فشرده این موارد را به عنوان جزئیاتی از هم‌سویی می‌توان در مدخل آیات شیطانی مشاهده کرد.

۱ـ در بخشی از مدخل چنین می‌خوانیم؛ "ماجرای آیات شیطانی در منابع تفسیری و

---

۱. منابعی مانند نصب المجانیق لنسف الغرانیق از ناصرالدین آلبانی مساله الغرانیق تفسیر آلایات از عبده، م، و الناسخ و المنسوخ فی کتاب الله عزوجل و اختلاف العلمافی ذلک از ابوجعفر احمد بن محمد در زمره منابع فرعی مورد استفاده شهاب احمد قرار دارند ضمن آنکه وی از این منابع لاتین که در جهت‌دهی پیش‌فرض‌های ذهنی نویسنده تاثیرگذاری ویژه‌ای داشته است نیز بهره برده است. برخی آثار وی عبارتند از:

1- Ibn Taymiyyah and the satanic verses in(1988) Sh.Ahmed
2- Muhammad and the rise of Islam in (1960) Margoliouth
3- Muhammad and Origins if Islam (1994) Albany
4- Muhammad Harmonds worth (1961) M.Rodinson

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

سیره‌ی مغازی که تفسیرشان به دو سده ی نخست اسلامی برمی‌گردد نقل شده است."[1] این مطلب را نویسنده اگر چه در مدخل خود به آن اشاره کرده اما به صحت و سقم روایات آن نپرداخته و به دلیل پیش فرض ذهنی خود مبنی بر صحت و اعتبار کتاب، نتایج خود را بر اساس روایات جعلی این کتابها استوار ساخته است ضمن آنکه همه مفسران اهل سنت بر این موضوع صحه نگذاشته‌اند، از این‌رو هم آوایی با منابع تفسیری اهل سنت را می‌توان بیشتر در لفظ جستجو کرد.

۲ـ در جایی دیگر از مدخل آمده است؛ "گزارش‌ها و روایات نشان می‌دهد که در این اوضاع و احوال محمد(ص) تمایل داشت که با قریش به توافق برسد؛[2] در این مورد هم هم‌آوایی در محتوی و مفهوم با متن گزارشی زمخشری در کشاف مشاهده می‌شود."[3]

۳ـ جملات دیگری هم در این مدخل دیده می‌شود که می‌توان نمونه‌ها و نظیره‌هایی در کتب روایی و تفسیری اهل سنت که نویسنده از آنها بهره برده، یافت نمود؛ "این شیطان توانست... به‌گونه‌ای که وی آنها را وحی الهی می‌پنداشت، برخی گزارش‌ها او را خواب‌آلود و بی‌دقت توصیف کرده‌اند، تلبیهای پیش از اسلام یا یکی از اذکار عبادی قریش بوده است، ماجرای آیات شیطانی در متون تفسیری روایات شده از قریب باتفاق مفسران سرشناس دو قرن نخست هجری روایت شده است."[4]

۴ـ نویسنده در بخشی دیگر بیان می‌کند که؛ "گزارش درباره این ماجرا در ساختار و جزئیات روایت متفاوت است،[5] که البته این مطلب هم موضوعی درست است و (چنانچه پیشتر اشاره شد و مجدد نیز به آن پرداخته خواهد شد) همسویی مشترکی در منابع اهل‌سنت در شیوه واحد نقل این گزارش مشاهده نمی‌شود و گزارش‌های متعددی به چند طریق متفاوت به دست آمده است.

---

1. The satanic verses incident is reported in the Tafsir and the sira -Maghazi literature. (vol. 4. p. 531).
2. The reports indicate that in these circumstances Mu-ammad hoped to achive reconciliation with Quraysh.
۳. نکـ : زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۳/ ۱۶۵.
۴. همان مدخل.
5. While the numerous reports on the incident differ in the construction and detail of the narrative (vol. 4. p. 531).

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019
[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

۳ـ۳ـ۱. عدم استفاده از منابع تفسیری شیعه در مدخل

با مطالعه‌ی مطالب مدخل، هیچ‌گونه هم‌آوایی و هم‌سویی با منابع تفسیری شیعه مشاهده نمی‌شود و نویسنده حتی به موارد نادری از منابع تاریخی و کتب مرتبط از شیعه نیز مراجعه‌ای نداشته است، پر واضح است که چنین رویکردی اعتبار پژوهشی مدخل آیات شیطانی را زیر سوال برده و غیرمحققانه بودن مدخل را به اثبات می‌رساند، حال آنکه با یک مراجعه مختصر به منابع متقن شیعه (که از ابتدایی‌ترین شیوه‌های پژوهشی؛ برخورد منصفانه‌ی نویسنده با همه منابع از همه فرق باید باشد) درمی‌یافت که دلایل محکم و براهین مستدلی از جانب اندیشمندان شیعه در خصوص بی‌پایه و اساس بودن ماجرای جعلی غرانیق ارائه شده است.[۱]

۳ـ٤. تحلیل و بررسی منابع هم آوا با اهل سنت در مدخل

با نقد و بررسی عمده‌ترین منابع تفسیری که "شهاب احمد" از آنها در نوشتار خود استفاده کرده است میزان اعتبار لوازم و نتایج واصله در مطالب نویسنده ـ خواه ناخواه ـ مبرهن می‌شود و هم‌آوایی و هم‌سویی دیدگاهها و نیز پیش فرضهای ذهنی این خاورشناس با متون تفسیری اهل سنت به بوته‌ی چالش و نقد درمی‌آید؛ اکنون به اختصار و نمونه به نقد برخی از عمده‌ترین منابع تفسیری مورد استفاده خواهیم پرداخت.

الف) تفسیر طبری، صاحب تفسیر محمدبن جریر طبری از علمای اهل سنت است؛ وی صرف‌نظر از نکات مثبت به کار برده در تفسیر خود (بهره بردن از ادبیات عرب، لغت، شعر، اجماع و تفسیر قرآن به قرآن) در بهره‌گیری از اسرائیلیات؛ فراوان و پیشرو عمل کرده است، اگرچه با ذکر سند، تلاش می‌کند خود را از نقد بی‌نیاز بداند، اما ذکر سند، اشکال عمده‌ی وی را در بهره‌گیری از اسرائیلیات برطرف نمی‌کند و چه بسا نشر اسرائیلیات گناه

---

۱. (نک: معرفت، ۷۴۱/۲ و نیز بابایی، تاریخ تفسیر قرآن، ۵۰۶/۱؛ زمانی، ۲۵۶؛ معارف، شناخت قرآن، ۲۹۴ـ ۲۹۵). صاحب التفسیر و المفسرون به شدت این شیوه‌ی طبری را در استفاده از اسرائیلیات و روایات ضعیف مورد نکوهش قرار داده و آن را غیرقابل توجیه و عذر برمی‌شمارد!

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

نابخشودنی برای چنین منبع مهم و برخوردار از جایگاه رفیع و دارای قدمت به حساب آید،[۱] که البته به این نقص، روایات ضعیف را هم باید اضافه نمود.

از آنجایی که استناد اولیه مورخان و خاورشناسان درباره‌ی این افسانه از گزارش طبری سرچشمه گرفته و اولین بار طبری به ذکر افسانه جعلی پرداخته است از این‌رو به تحلیل محتوای این گزارش در بیان طبری می‌پردازیم و تناقض‌های فراوان و آشکار میان گزارش‌های قصه در کلام طبری را مورد بازخوانی قرار خواهیم داد:

۳ـ٤ـ۱. آسیب شناسی محتوای گزارش های افسانه در تفسیر طبری

۱ـ گزارش نزول آیاتی از سوره‌ی اسراء برای سرزنش پیامبر(ص)؛ براساس اولین گزارش، فردی به نام "محمد بن کعب قرظی" و بعد از آگاهی یافتن پیامبر(ص) از دخالت شیطان، آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره اسراء برای سرزنش ایشان نازل شد؛ اما طبری هیچ‌کدام از نقل‌ها و گزارشات دیگر این افسانه را انعکاس نداده است.!

۲ـ گزارش ملاقات و سرزنش جبرئیل؛ ابتدا طبری گزارش می‌کند که ظاهراً جبرئیل از ماجرای دخالت شیطان در وحی خبر نداشت؛ عصر همان روز نزد پیامبر آمد و... جبرئیل تازه متوجه کار شیطان شد وتنها وقتی به پیامبر(ص) گفت که من این آیه‌ها را نیاورده‌ام پیامبر(ص) فهمید که این جملات از شیطان بوده است...." طبری در گزارش بعدی که ارائه می‌دهد بیان می‌کند که جبرئیل خود به سراغ پیامبر(ص) برای توبیخ آمد بدون آنکه به زمان آمدن او اشاره کند و یا سخنی از ملاقات و گفتگوی پیامبر(ص) و جبرئیل به میان آورد.

۳ـ نماز گزاردن پیامبر(ص) در حال القای شیطان؛ طبری یکبار می‌گوید در روایت ابن عباس، شیطان این جملات را در حالی که پیامبر(ص) در نماز سوره‌ی نجم را تلاوت می‌کرد به ایشان القاء کرد و ایشان هم آن را تلاوت نمود، اما در نقل‌های دیگر خود از نماز

---

۱. (نک: معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب ۷۴۱/۲؛ و نیز بابایی، تاریخ تفسیر قرآن، ۵۰۶/۱) صاحب التفسیر و المفسرون، به شدت این شیوه طبری را در استفاده از اسرائیلیات و روایات ضعیف مورد نکوهش قرار داده و آن را غیرقابل توجیه و عذر برمی‌شمارد!

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

خواندن پیامبر(ص) یادی نمی‌کند و بیان می‌کند که ایشان در جمع مشرکان در مسجدالحرام نشسته بود.!

۴ـ گزارش طبری از احساس درونی پیامبر و ناراحتی و آرزوی ایشان؛ در اولین روایتی که از محمد بن کعب قرظی نقل می‌کند احساس پیامبر(ص) را درقالب آرزویی که در روز حادثه برای پیامبر(ص) رخ داده بیان می‌کند به این صورت که "روزی پیامبر(ص) وارد مسجدالحرام شد و آرزو کرد که در آن روز آیه‌ای که باعث نفرت مشرکان از او شود نازل نگردد (طبری، ۱۳۲/۱۷) اما در گزارش دیگر از این راوی که در تاریخ طبری و تفسیر جامع‌البیان نقل می‌کند، علت غمگینی رسول خدا(ص) را دوری و انزجار قوم و قبیله‌اش نسبت به وحی و تعلیماتی که آورده بیان می‌کند. لازم به ذکر است که به این موارد که به اختصار به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، این موضوع را نیز باید افزود که طبری در ذکر آیات سوره‌های نجم، اسراء و حج و ارتباط دادن آنها با محتوای این افسانه هم دچار تناقض‌گویی‌های فراوان شده است. وی در تفسیر خود به طرح دیدگاه‌های تفسیری متناقضی در خصوص این آیات روی می‌آورد که بی‌اساس بودن آنها در همان نگاه اول برای مخاطب ثابت می‌شود.

بنابراین با توجه به نقدهای بی‌شمار ارائه شده توسط محققان و نص صریح آیات سور نجم و اسراء و قرائن موجود در این گزارش‌ها باید اذعان نمود، روایت‌های طبری در خصوص این افسانه به هیچ عنوان بها و اعتبار تاریخی ندارد و مورد پذیرش هیچ مخاطب منصفی هم نمی‌باشد.[۱]

ب) تفسیر بغوی: (معالم التنزیل فی التفسیر و التاویل) ابومحمد بغوی، مؤلف، سند روایات را بدون ذکر و توجه به آنها رها می‌کند، استفاده قابل توجهی از روایات اسرائیلیات

---

۱. جهت دریافت گزارشات جامع‌تر به این منابع مراجعه شود. (طبری، ۱۳۳/۱۷ـ۱۳۲؛ ۸۹/۱۵؛ ۲۱۴/۳۰؛ ۷۵/۲۹ و حسنین هیکل، حیات محمد (ص)، ۱۱۴؛ سبحانی، ۳۲۹/۱ و نیز جهت ملاحظه تناقضات موجود با تفسیر جامع البیان مراجعه شود به طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۳۴۰/۲.)

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

داشته و بدون پی‌گیری آنها را نیز وامی‌گذارد، روایات ضعیف و اسرائیلیات که عصمت پیامبران و خاصه پیامبر اسلام را مورد خدشه قرار می‌دهند در تفسیر بغوی مشهود است.[۱]

ج) تفسیر زمخشری: اثر جارالله زمخشری، صاحب تفسیر بیشتر به دقائق بلاغت قرآن با رویکردی ادبی و بیانی توجه کرده و از این‌رو مورد توجه اندیشمندان هر دو فرق قرار دارد، اما در عین حال، در مواردی در تفسیر خود از برخوردی دوگانه و بدون ذکر نام مفسران و نقل اقوال آنها استفاده می‌کند، عمدتا برای شیعه در تفسیر خود ارزشی قائل نیست و جز در چند مورد به استفاده از لفظ رافضه به دیدگاههای شیعه اشاره می‌کند!.

د) صحیح بخاری: از منابع دیگر استفاده شده در مدخل آیات شیطانی، صحیح بخاری تالیف ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری است. وی در تدوین اثر خود، افزون بر منابع شفاهی و استفاده از روایات مشایخ خود، از مکتوبات جمع‌آوری شده نیز بهره گرفته است. اگرچه این کتاب در میان اهل سنت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است اما؛ در کتاب برخی از روایات ضعیف و مردود نیز وجود دارد.

وی به نقل از طبری، افسانه مذکور را در اثر خویش آورده و بدون نقد و نگاهی تحلیلی به نقل آنها پرداخته است "شهاب احمد" نیز نام او را در زمره افرادی که به او استناد کرده است، ذکر کرده و آورده است. همانطور که گذشت، این تفسیر و نیز عموم منابع تفسیری اهل سنت که در مقاله‌ی آیات شیطانی استفاده شده‌اند حاوی اسرائیلیات و روایات ضعیف هستند که عدم توجه مؤلفان آنها به اصول حدیثی؛ نتایج حاصله‌ی مربوط به آموزه‌ی عصمت و وحی انبیاء(ص) را از جانب آنان با نظرهایی خلاف عقل و شرع همراه کرده است و طبیعی است که با زیر سوال رفتن اعتبار سندی و متنی برخی از روایات این آثار، تناقض‌گویی‌های شهاب احمد و امثال او را نیز به دلیل استفاده فراوان از آن منابع، روشن‌تر خواهد کرد.

---

۱. (نک: بغوی، معالم التنزیل، ۱۰۰/۱؛ ۵۲/۴؛ ۲۷۱/۳)؛ برای توضیحات بیشتر نک: خویی، ۲۰۲ـ۲۰۳.

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

۳ـ٤ـ۲ـ۱. رد و بررسی اجمالی افسانه غرانیق

مورد اول: مفسران و مورخان پیشین برخلاف ادعای شهاب احمد نیز این ماجرای ساختگی را انکار کرده بودند و این انکار در عصر جدید حادث نشده است، قبل از قرن چهارم نیز انتقاداتی مطرح بوده است (مانند ابن اسحاق) [۱] ضمن آنکه در هیچ منبع تاریخی معتبر؛ به آشنا بودن حافظه ی تاریخی عصر پیامبر(ص) با این موضوع مواجه نمی‌شویم؛ مضافاً اینکه ـ چنانچه بیشتر هم اشاره شد ـ خدشه و بطلان سند روایات واصله درخصوص این افسانه، آن را از اساس باطل و دروغین می‌نماید.

مورد دوم: نقل نویسنده از مستشرقان کامل نیست، به عنوان نمونه، وی، به گزارشی از نقلیات برخی خاورشناسان همچون مونتگمری وات و مارگلیوث در پذیرش این ماجرا اشاره کرده است، اما دیدگاه مستشرقان دیگر مانند "کاتیانی ویشمل" را از نظر دور داشته است، [۲] که با نگاهی منصفانه و دور از تعصب به این ماجرا پرداخته‌اند.

۳ـ٤ـ۳. تلقی نادرست شهاب احمد از نزول آیات ۵۲ تا ٥٤ حج به عنوان جبران خطای پیامبر(ص)!

نویسنده نزول آیات ۵۲ تا ۵۴ سوره حج را به عنوان جبرانی بر خطای پیامبر از جانب خدا تلقی می‌کند و ضمن تعبیری که از معنای واژگان "تمنی و ینسخ" بیان کند چنین

---

۱. نکـ : فخر رازی، ۲۳۷/۲۳ فخر رازی بیان داشته که ابن اسحاق این روایات را از جعلیات زنادقه می‌داند!

۲. لازم می‌آمد تا "شهاب احمد" به نظرات مستشرقان منصف در ماجرای مذکور هم اشاره نماید از این‌رو عدم توجه وی به این موضوع نقدی جدی را بر ساختار پژوهش وی وارد می‌آورد . "کاتیانی" ۱۸۶۹م از شرق‌شناسان مکتب ایتالیاست وی کتابخانه‌ای با دویست هزار اثر گرد آورد و مطالعاتی در زمینه سیره‌ی نبوی داشته است او رویکرد منصفانه‌ای با توجه به نقد متن به موضوعات قرآنی داشته است وی در گزارش خود به نقد و رد ماجرای غرانیق پرداخته است. "آن ماری شیمل" ۱۹۲۹ـ۲۰۰۲م، عرفان پژوه و مستشرق آلمانی است، بیش از هفتاد کتاب و اثر ترجمه کرده است وی در برابر خرافه‌ی غرانیق و کتاب سلمان رشدی، موضع‌گیری‌های منصفانه‌ای داشته و توانسته است هم در عرصه علمی غرانیق را مردود تلقی کند و هم به تبعات این قول علمی خود پایبند بوده و در عمل اقداماتی را که در جهت بازآفرینی، قصه‌ی غرانیق انجام شده، محکوم نماید (نکـ : آن ماری شیمل Farsi.al-shia.org و نیز Clicel.com/ الثون کائتانی / Leon Caetani).

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

می‌نویسد: "... شیطان در تلاوتش/ خواستش (امنیته) القای شبهه می‌کرد، پس خدا آنچه را شیطان القاء می‌کرد، محو گردانید (ینسخ) آنگاه خدا آیات خود را استوار ساخت... (همانجا، ۹۴) وی پس از آن، به این موضوع اشاره می‌کند که پس از نزول آیات مذکور، پیامبر(ص) به خطای خود اعتراف کرد و از آیات شیطانی توبه کرد، و این کار به دشمنی و آزار شکنجه‌ی قریش افزود!.

نویسنده در ادامه عنوان می‌کند که براساس برخی گزارشها و روایات، ماجرای آیات شیطانی ـ احتمالاً ـ با نزول آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی اسراء هم می‌تواند مرتبط باشد که در آن خداوند به پیامبر خود تاکید می‌کند که اگر تو را استوار نمی‌داشتیم قطعاً تو کمی به سوی آنان ـ مشرکان ـ متمایل می‌شدی ... .

وی پس از نقل این ادعا امکان بیشتر ماجرای آیات شیطانی را با آیه‌ی ۵۲ سوره حج مرتبط می‌داند اگر چه آن را با تفاسیر آیه ۱۹ سوره‌ی نجم هم بی‌تاثیر نمی‌داند.

۳ـ٤ـ۳ـ۱. نقد و بررسی دیدگاه فوق

واضح است که تحلیل نادرست "شهاب احمد" در راستای پیش فرضهای ثابت ذهنی وی و مراجعه‌ی به منابع اصیل اهل سنت بوده است وی ـ مرتباً ـ شبهه معینی را در طول نوشتار خود مبنی بر خطای پیامبر(ص) در دریافت آیات شیطانی و نهایتاً زیر سوال بردن عصمت ایشان در وحی الهی تقریر کرده و به تکرار آن می‌پردازد. وی با مراجعه عجولانه و ناکافی به منابع تفسیری نه تنها به مفهوم و تفسیر آیات سوره‌های نجم، حج و اسراء دست نمی‌یابد بلکه در استنتاجی نافرجام تلاش می‌کند تا خود را از بن‌بست پیش آمده رها ساخته و حکم بر جبران خطای پیامبر(ص) توسط نزول آیات صادر کند.

اکنون به نگاهی به شأن نزول آیات مورد ادعای "شهاب احمد" و ارتباط آنها با افسانه‌ی غرانیق نادرستی و غیرمنصفانه بودن ادعا و تلقی نویسنده مبرهن خواهد شد.

الف) نفی احتمال تمایل پیامبر(ص)به مشرکان بر مبنای مراجعه به حقیقت آیات استناد شده

طبق قصه جعلی غرانیق و براساس پنداشت ناصواب نویسنده؛ خداوند ابتدا در سرزنش

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

پیامبر(ص) آیات "**و ان کادوا لیفتنونک عن الذی اوحینا الیک لیفتـدی علینـا غیـره و اذا لاتخذوک خلیلا * ولولا آن ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئا قلیلا**" (الاسراء، ۷۴ـ۷۳) را نازل فرمود و پس از آنکه پیامبر(ص) را دل نگران یافت برای آرامش خاطر وی آیات ۵۲ و ۵۳ سوره‌ی حج را نیز فرو فرستاد!.

در حالی که در رد این‌گونه برداشت‌های نادرست از این آیات باید گفت که این آیه، نه تنها شاهدی مبنی بر تمایل نداشتن پیامبر اسلام به مواضع مشرکان بوده است بلکه گواه آشکاری است مبنی بر آنکه در پرتو لطف و تثبیت خداوندی حتی تصور نمی‌توان کرد که آن حضرت در معرض چنین لغزش و خطایی قرار گرفته باشد.

آیة الله معرفت با به چالش کشیدن دیدگاههای خاورشناسان که نقدهای جدی و اصولی ایشان دقیقا بر شهاب احمد نیز وارد است و نیز در مورد آیه‌ی ۷۴ سوره اسراء که طرفداران افسانه‌ی آیات شیطانی به آن پناه برده‌اند چنین تحلیل می‌کند که این آیه به صراحت اعلام می‌کند که پیامبر اسلام هیچگاه تمایلی به مشرکان نداشت چرا که در آیه از واژه "لولا" استفاده شده است و گویای آن است که ماتو را محافظت کردیم، پس آیه می‌گوید که اگر تو را استوار نمی‌کردیم هر آینه نزدیک بود کمی به سوی آنان رغبت پیدا کنی حال آنکه تو را نگه داشتیم، چنین تمایلی پیش نیامده است.

ایشان در این خصوص چنین می‌نگارد: "آیه تثبیت مقام عصمت انبیاء را ثابت می‌کند، اگر عصمت که همان عنایت الهی وروشنگر راه پیامبران است، شامل حال انبیاء نبود لغزش و انحراف به سوی بداندیشان امکان می‌یافت قدرت و نفوذ طاغوتیان در ایجاد جو مناسب با اهداف پلیدشان آنقدر گسترده و حساب شده است که حتی ممکن است شایسته‌ترین افراد فریب بخورند و به سوی آنان جذب شوند صرفا عنایت الهی است که شامل بندگان خاص خدا می‌شود و آنا را از وسوسه‌ها و دسیسه‌های شیطان در امان نگاه می‌دارد. به هر حال آیه تثبیت دلالت دارد که لغزشی انجام نگرفته و این به دلیل لولای امتناعیه است" (اگر نبود چنین می‌شد) (معرفت، ۲۵).

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

نتیجه آنکه، دلالت این آیه بر آن است که عنایت خاص الهی بـه رسـول اکـرم (ص) و دور ماندن ایشان از هرگونه خطا و لغزش، در بردارنده سـلامت و مـصون مانـدن شـریعت پیامبر خاتم از هرگونه تحریف است و اما اینکه ادعا شده است که پـس از آنکـه انـدوه و نگرانی پیامبر بعد از این ماجرا شدت یافت، آیات ۵۲ و ۵۳ سوره‌ی حج به عنوان تـسلای خاطر و نیز جبرانی بر خطای پیامبر نازل شده است! ادعایی بی‌پایه و موهوم است. "**و مـا ارسلنا من قبلک من رسول و لانبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته فیسنخ الله مـایلقی الشیطان ثم یحکم الله آیاته والله علیم حکیم ...**".

این در حالی است که سوره‌ی حج طبق نظر غالب مفسران، مدنی بـوده و نـزول آن در اوایل هجرت بوده است[1] و در آن از اموری چون امر به حج و جهاد سخن رفته است پس معلوم می‌شود که این آیات سالها پس از افسانه‌ی جعلی غرانیق تحقق یافته است؛ چرا کـه بنابر قول مدعیان، ماجرای جعلی آیات شـیطانی در سـال پـنجم بعثـت رخ داده اسـت. از این‌رو فاصله‌ی زمانی نزول آیات سوره‌ی نجم و قصه ساختگی مذکور هم با آیات سوره‌ی حج ده سال خواهد بود بنابراین آیا پذیرفتنی خواهد بود که خداوند در یک فاصله ده ساله پیامبر خود را مورد تفقد و دلجویی قرار نـداده باشـد و بعـد از گذشـت ده سـال از یـک ماجرای جعلی و نگرانی پیامبر اسلام از اشتباه غیرمتصور خود در جریان جبـران و القـای شبهه شیطانی، خداوند وی را مورد دلجویی قرار داده باشد!؟.

---

۱. علامه طباطبایی به طور قطع قائل به مدنی بودن سوره حج می‌باشد؛ (نک : طباطبایی، المیزان، ۳۹۰/۱۴) در واقـع آنچه در آیات مورد بحث در سوره‌ی حج به آنها پرداخته شده است این است که قرآن در آیات یاد شده از سـنت دیرینه و پایدار خدا در میان پیامبران خبر می‌دهد و آن تمنای پیشبرد اهداف و آرزوی موفقیت در هدایت مردم از جانب پیامبران است؛ آنگاه نوبت مداخله شیطان صفتان جـن و انـس بـا ایجـاد مـانع بـر سـر راه رسـولان خـدا فرامی‌رسد، از آن پس، زمان فرارسیدن امدادهای الهی و محو و نابود کردن نقشه‌های شیطانی است و این یک سنت الهی در میان تمام امت‌های گذشته بوده است (برای توضیحات بیشتر بنگرید به سبحانی، فروغ ابدیت، ۳۳۸؛ قمـی مشهدی، کنزالدقائق و بحر الغرائی ۱۲۳/۹، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۹/۱۴ـ۱۴۰).

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

ب) سردرگمی نویسنده در فهم تفسیری سوره‌ی نجم در مدخل

"شهاب احمد" مدخل پس از پایان تحلیل استشراقی خود از آیات سوره‌های اسراء حج و نجم، چنین نتیجه می‌گیرد که برخی تفاسیر، مباحث مربوط به تفسیر آیات حج را در ذیل آیات سوره‌ی نجم آورده‌اند، وی از توضیح بیشتر در این خصوص هم اجتناب می‌کند و به عبارتی مخاطب ناآگاه خود را در ابهام باقی می‌گذارد حال آنکه در پاسخ به عدم مطالعه‌ی کافی "شهاب احمد" باید گفت که اساساً از دلایل مهم بر بطلان این داستان خرافی، خود آیات سوره‌ی نجم است؛ چرا که خداوند در آیات آغازین این سوره از همان ابتدا به صراحت بر عصمت پیامبر در دریافت آیات وحیانی قرآن از هرگونه لغزش و خطا اصرار ورزیده و می‌فرماید **"و ما ینطق عن الهوی، إن هو الا وحی یوحی"** (النجم، ۴ـ۳) و اگر شیطان بتواند در این‌جا دخالت شیطانی و تبلیس نماید؛ لازم می‌آید تا آیات الهی ـــ نعوذ بالله ـ تکذیب شوند، در حالی که هرگز شیطان بر اراده حتمی و قدرت لایزال الهی غالب نخواهد آمد. **"کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز"** (المجادله، ۲۱).

این نکته را نیز باید افزود که چگونه می‌توان تصور کرد که پیامبر اسلام که ناقد فصیح‌ترین سخنان فصحای عرب است عبارتی سست را که با دیگر عبارات قرانی بی‌تناسب و ناهماهنگ است تشخیص ندهد و به اشتباه بیفتد و آنگاه چگونه می‌توان مضمون آن را با آیه‌ی ۲۳ سوره نجم قابل جمع دانست؟! **"ان هی الا اسماء سمیتموها انتم و ابائکم ما انزل الله بها من سلطان"**.[۱]

---

۱. و نیز صاحب تفسیر نمونه در این باره می‌نویسد: "با این حال چگونه امکان دارد آن دو جمله ساختگی (تلک الغرانیق العلی و ان شفاعتهن لترجی) از پیامبر باشد و یا مشرکان آنقدر گرفتار حماقت باشند که این جمله را بشنوند اما آیات بعد از سوره نجم را که با صراحت بت پرستی را در هم می‌کوبد نادیده بگیرند. و سرانجام خوشحال شوند و پس از خاتمه سوره با مومنان سجده کنند! حقیقت آن است که سازندگان این افسانه آن را بسیار ناشیانه و بی‌مطالعه جعل کرده‌اند (مکام شیرازی، تفسیر نمونه، ۵۲۲/۲۲ و نیز برای اطلاعات بیشتر نکـ: معرفت، التمهید، ۱۲۷/۱؛ معرفت، تاریخ قرآن، ۲۴).

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۳ـ٤ـ٤. نقد دیدگاه شهاب احمد درباره برخورد مسلمانان حبشه در خصوص افسانه ساختگی

نویسنده‌ی مدخل در بخش دیگری از نوشتار خود بدون آنکه ذکری از منابع روایی به میان آورد ادعا می‌کند که پناهندگان مسلمان در حبشه با خبر سجده‌ی قریشیان در کنار مسلمانان به مکه بازگشتند و چنین می‌نویسد: "این را نیز بسیار نقل کرده‌اند که وقتی خبر به سجده افتادن قریشیان در کنار مسلمانان به حبشه رسید موجب شد برخی پناهندگان مسلمان که گمان بردند قریشیان به اسلام گرویده‌اند به مکه بازگردند گرچه ناگزیر شدند باردیگر به حبشه بازگردند..." (ترجمه لایدن، ۹۵/۱)

در پاسخ باید گفت که پرواضح است که به دلیل موهوم و بی‌اساس بودن این افسانه جعلی، بطلان چنین ماجرایی هم خواه ناخواه نمایان می‌شود ضمن آنکه آیا می‌توان قبول کرد که خبر صلح مسلمانان و مشرکان به سرعت به مسلمانان حبشه رسیده باشد اما خبر تکذیب آن که بر طبق این افسانه در کمتر از چند ساعت رخ داده، به آنها نرسیده است و آنگاه آنان خود را به مکه رسانده باشند؟

دیگر آنکه هیچ مدیر و رهبر فرزانه‌ای با مشاهده انسجام و بیشتر شدن صفوف پیروان خود و در مقابل افزایش شکاف و اختلاف در صفوف دشمن دست به چنین عقب‌گردی نخواهد زد!

بر همه این مطالب این نکته را نیز باید افزود که دشمنی و خصومت مشرکان با رسول خدا بسیار بالاتر از آن بود که باخواندن دو جمله در مدح بتها و بدون هیچ توافق و مذاکره‌ی قبلی با آنها قانع شوند و از شادی و هیجان سر به سجده گذارند، این در حالی است که آنان سجده برای خدا را مبغوض و ناپسند می‌شمردند و از آن ابا داشتند!

بنابر حکم عقل، صبر و بردباری و تحمل بیش از حد در مقابل خصومت‌های دشمنان لازمه رسالت پیامبران بوده است، از این‌رو اگر حتی این افسانه را یک ماجرای واقعی هم تلقی کنیم به این معنا خواهد بود که پیامبر اسلام (ص) ـ نعوذ بالله ـ عنان صبر و تحمل را از دست داده بوده است در حالی که چنین قضاوت ناصوابی درباره انبیاء(ع) ـ خاصه پیامبر اسلام(ص) ـ بی‌اساس و ناسازگار است. (نکـ : سبحانی، ۳۳۲)

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

۳ـ٤ـ۵. اعتقاد شهاب احمد به جمع دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره‌ی افسانه

در بخشهای پایانی مقاله، نویسنده با اعتراف بر اینکه ماجرای مذکور براساس اسناد ـ سلسله‌های روایی رد شده است می‌افزاید: "سندها و در نتیجه اِسناد ماجرای آیات شیطانی کامل و صحیح نیست، از این‌رو گزارش‌های موجود برای اثبات واقعیت این ماجرا به اندازه‌ی کافی معتبر تلقی نمی‌شوند. این ماجرا در هیچ یک از جوامع معتبر حدیثی ذکر نشده است هرچند در برخی از جوامع غیر معتبر به چشم می‌خورد... (ترجمه لایدن، ۹۶/۱)، وی در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که برخی عالمان معتقدند که به دلیل واقعیت نقل گسترده ماجرای آیات شیطانی نمی‌توان به انکار کامل آن پرداخت و از طرفی دیگر هم به دلیل عصمت پیامبر(ص) این ماجرا آن‌گونه که نقل شده است نیز نمی‌تواند باشد. پس باید از تفسیری بازسازی کننده ـ اصل تأویل ـ برای گزارش‌های آیات شیطانی بهره گرفت تا قصه‌ی این ماجرا را در قالب معیارهای مجاز و مقبول طرح نمایند.

"شهاب احمد" به قول برخی عالمان توسل کرده که براساس دیدگاه آنان چون اساسا ممکن نیست که محمد(ص) فریفته شیطان شده باشد این اتفاق باید اینگونه رخ داده باشد که به هنگام تلاوت آیات سوره نجم، پیامبر(ص) لحظه‌ای مکث کرده و در همین فاصله شیطان یا یکی از کافران حاضر در آنجا فرصت را غنیمت شمرده و با تقلید صدای پیامبر، این آیات کفرآمیز را خوانده است! ایشان در نهایت، به ذکر این نکته هم می‌پردازد که در هیچ یک از گزارش‌های اولیه این ماجرا، به این صورت تصویر نشده است (همانجا، ۹۶ـ۹۷).

۳ـ٤ـ۵ـ۱. نقد و بررسی

چنانچه نویسنده مدعی شده است برخی از علمای اهل سنت در صدد توجیه و پذیرش، به‌زعم خود به رفع نقص‌های موجود در افسانه‌ی غرانیق پرداخته‌اند، اما باید اذعان کرد که نه تنها دلایل توجیهات پذیرندگان، مشحون از ایراد و کاملا غلط و اشتباه بوده است، بلکه در پاسخ به شهاب احمد و معتقدان مانند او می‌توان گفت که اساساً نیازی به هیچ توجیه و هم‌پوشانی و یا تاویل در قالب معیارهای مجاز و مقبول برای افسانه‌ای که بطلان آن به لحاظ سند و محتوا مسلم است نمی‌باشد.

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

بطلان دلایل و توجیهات موافقان

۱) توجیه اول: در ابتدا باید گفت که اعتقاد نویسنده به تلاش عده‌ای از علمای اهل سنت در توجیه افسانه مذکور، اشاره‌ای درست است، برخی مانند سیوطی، قاضی عیاض و زمخشری در توجیه گفته‌اند که خداوند به این دلیل به شیطان اجازه داد که این آیات را اضافه کند تا امتحان مؤمنان واقعی از افراد ضعیف‌الایمان بوده باشد و یا این آزمایش بر تیره دلی منافقان و ایمان مومنان افزوده شود ضمن آنکه این که به شیطان نسبت داده شده از این‌رو بوده است که این اقدام با وسوسه او انجام شده است.

۲) توجیه دوم: چون پیامبر قرآن را با تانّی تلاوت می‌کردند شیطان از توقف ایشان در بین آیات سوء استفاده کرده و این آیات را اضافه کرد یا آنکه احتمالا پیامبر خواب آلود بود که در این صورت تکلیفی هم نداشت.[۱]

۳) توجیه سوم: صاحب غرائب القرآن و برخی دیگر مدعی شده‌اند: در بسیاری از نقل‌ها آمده است "پیامبر از روی شوقی که برای هدایت مردم داشت نمی‌خواست چیزی بر او نازل شود که باعث جدایی آنان از او گردد. (نیشابوری، ۱۰۴)

در بطلان چنین توجیهات سخیف و بی‌اساسی باید متذکر شویم که اساسا هیچ سند یقینی و غیرجعلی برای روایات مطروحه‌ی توجیه‌کنندگان این افسانه‌ی مذکور وجود ندارد و چنانچه قبلا هم اشاره شد رواج چنین گزارش‌های باطلی از جانب مغرضان و معاندان جهت شبهه افکنی به جایگاه عصمت نبوی(ص) انجام گرفته است. ضمن آنکه افسانه آیات شیطانی از هر زاویه‌ای که به آن نگریسته شود دروغین بودن آن براساس نص صریح و محکمات قرآن و نیز آموزه‌ی عصمت انبیای راستین امری ثابت و مسلم است و نیازی به توجیه آن چنانچه احتمالا برخی اندیشنمدان به خیال خود براساس مقاصدی چون خاموش

---

۱. مشابه این عبارات توجیه‌آمیز در کلام قاضی عیاض، سیوطی، زمخشری، و برخی دیگر مشاهده می‌شود که به جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنان به دلیل تشابه موجود در محتوا و تعبیرات اجتناب می‌شود (برای اطلاعات بیشتر نک: سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۸/۷، سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۲۴۳۲/۴ و نیز قاضی عیاض، کتاب الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، ۴۸۱/۱).

کردن نقل‌ها و نظرات خاورشناسان و دیگران به آن توجیهات توسل کرده‌اند؛ نمی‌باشد اکنون باختصار به موارد استدلالی و پاسخ به سردرگمی‌های امثال شهاب احمد خواهیم پرداخت.

الف) مخالفت محتوای افسانه مذکور با اصول عقلی

۱ـ مبارزه با مظاهر بت‌پرستی و شرک از اصول اولیه مبارزاتی و رهبری پیامبر بوده است و پذیرفتن این قصه به معنای جداشدن و فاصله گرفتن از این اصل اساسی است این موضوع را هم باید ضمیمه کرد که براساس کدام حکم عقلی، مشرکان این همه آیه را در مذمت بتها نادیده بگیرند و تنها به آیات شیطانی دل خوش دارند و حاضر شوند با مسلمانان در صدد سازش برآیند؟!

۲ـ براساس شواهد متقن، چون بیان احکام حج و جهاد در سوره حج و تصریح دانشمندان علوم قرآنی بر مدنی بودن این سوره است، نمی‌توان پذیرفت که آیه ۵۲ سوره حج برای تسلی پیامبر بعد از رخداد افسانه‌ی جعلی باشد.

۳ـ در پاسخ به ادعای صاحب غرائب القرآن، آیا احتمال دارد خداوند کسی را مورد هدایت و رحمت خود قرار دهد ولی لغزش‌های و خطاهایش را به او گوشزد نکند، آن‌چه از جانب خدا نازل می‌شود بر طبق مصلحت و نیاز بندگان بوده است ولی چگونه پیامبر تمایل داشت چیزی بر او نازل نشود یعنی نعوذ بالله ایشان آگاه‌تر و هوشمندتر به مقتضیات هدایت بوده است؟!

ب) ناسازگاری کامل با نصوص قرآن

آیات قرآن به صراحت بر عصمت پیامبر(ص) در دریافت و ابلاغ وحی تاکید می‌ورزند از جمله:

۱) **"تنزیل من رب العالمین ولو تقول علینا بعض الاقاویل ــ لاخذنا منه بالیمین"** (الحاقه، ۴۵ـ۴۲)

۲) **"واذا تتلی علیهم آیاتنا بینات... إن أتبع الا ما یوحی..."** (یونس، ۱۵)

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۳) "و ان کادوا لیفتنونک عن الذی اوحینا الیک ...." (الاسراء، ۷۴ـ۷۳) [۱]

ج) مخالفت گزارشات واصله از افسانه ی جعلی با شأنیت و جایگاه خاص نبی اسلام (ص)

علاوه بر مستندات و نصوص قرآنی دلالت‌کننده بر شخصیت ویژه پیامبر در دریافت وحی، براساس روایات ائمه هدی(ع)، پیامبر خاتم(ص)، مطیع محض و تسلیم بی‌چون و چرای اوامر الهی بوده و هیچ‌گاه از روی هوی و هوس کلامی بر زبان جاری نمی‌ساخت و آنچه از اصول و فروع دین بیان می‌کرد کلام محض الهی بود.[۲]

لازم به ذکر است که آنچنان در گزارشات تاریخی و روایی که در ارتباط با قصه غرانیق نقل شده تفاوت و اختلاف در محتوی و سلسله اسناد وجود دارد که حتی نمی‌توان بخشی از این افسانه را نیز هماهنگ و یکسان مشاهده کرد و قطع به یقین این نکته موضوعی است که بر ساختگی و باطل بودن آن مهر تایید می‌زند.[۳]

۳ـ٤ـ۶. اذعان نویسنده به مخالفت کامل تجددگرایان اسلامی با افسانه‌ی غرانیق

در بخش انتهایی مدخل، با اعتراف صریح شهاب احمد درباره‌ی رد صد در صدی این قصه از سوی اندیشمندان عصر معاصر مواجه می‌شویم وی چنین خاطر نشان می‌کند: "تجددگرایان اسلامی به نحوی بسیار محکم و منسجم واقعیت تاریخی ماجرای آیات شیطانی را انکار کرده‌اند... (ترجمه لایدن، ۹۷/۱) و پس از آن از تلاشهای محمد عبده با انتشار مقاله‌ی "مسالة الغرانیق و تفسیر الآیات" در سال ۱۹۰۵ و برخی دیگر مانند محمد

---

۱. جهت دریافت اطلاعات جامع تفسیری به منابع زیر مراجعه شود: (رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، ۲۳۷/۲۳، طباطبایی، المیزان، ۲۶/۱۰؛ ۴۰۴/۱۹ـ۴۰۶؛ ۱۷۲/۱۳ـ۱۷۳و نیز طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۵۰۶/۶؛ ۱۰۹/۱۰؛ ۳۵۰/۵).

۲. نکـ : عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ۷۲۰/۱؛ صاحب نورالثقلین به نقل از روایات کتاب توحید، احادیثی را در بیان عصمت پیامبر در دریافت وحی و اطاعت محض ایشان روایت می‌کنند.

۳. شایان ذکر است تعبیراتی که به عنوان القائات شیطانی نقل شده به بیش از بیست شرح و نقل متفاوت بیان شده‌اند، طبری در هشت عبارت سیوطی و برخی دیگر با یازده و تا ده روایت و گزارش مختلف ذکر کرده‌اند!! به علاوه آنکه در باره مکان وقوع رخداد هم نقل‌ها و گزارش‌ها بی‌شمارند!

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

حسنین هیکل، سید قطب و ابوالاعلی مواردی و دیگران، سخن می‌گوید، که سعی فراوان داشته‌اند تا در قالب انتشار رویه‌های فراوان علیه این ماجرای دروغین، به روشنگری بپردازند.[1] در این خصوص نیز باید یادآور شد که مطالعه‌ی مقالات و سیره‌نویسی اندیشمندان اهل سنت معاصر بنابر بنابر آنچه شهاب احمد نیز دریافته است تبیین‌کننده مخالفت جدی آنان با قصه مذکور است.

"محمد عبده" مقاله‌ی مبسوطی به عنوان ردیه نگاشته است، وی پس از اشاره به آیات مورد بحث و طرح روایات واصله از طبرسی، گفتار ابن حجر عسقلانی را مورد نقد و طعن جدی قرار داده و ابتنای خود را نهایتا بر این باور استوار می‌کند که هر گونه تفسیر و یا تحلیلی از آیات و گزارشات، که رکن شانیت و جایگاه پیامبر را در دریافت وحی مخدوش نماید از اعتبار ساقط است و از این‌رو هیچ‌گونه توجیه و سخنی را در این باره مورد پذیرش قرار نمی‌دهد[2] گفتنی است که البته بر طبق رویکردی هم که از عموم خاورشناسان سراغ داریم، نویسنده، در اینجا هم به مجموعه تلاشها و جدیت اندیشمندان شیعه در عصر حاضر حتی به صرف اشاره نیز عنایت و انضباطی نداشته است!.

۳ـ٤ـ۷. اعتقاد نویسنده به تمایل خاورشناسان معاصر در پذیرش افسانه‌ی غرانیق

"خاورشناسان از جمله پرخواننده‌ترین نویسندگان سیره‌ی محمد نظیر ماگلیوت و مونتگمری وات ماکسیم رودنسن و... (باستثنای چند نفر دیگر) دقیقا به همان قوت مایل به پذیرش واقعیت تاریخی این ماجرایند" (ترجمه لایدن، ۹۷/۱) این جملات، تعبیرات شهاب احمد است که به صراحت اعلام می‌کند که خاورشناسان معاصر علاقه زیادی به قبول و پذیرش این افسانه دارند.

---

1. Islamic modernity has been especially forceful and consistent in its rejection of the historicity of the satanic verces incident (vol 4-p535).

۲. برای دریافت اطلاعات و مطالعه بیشتر نکـ: مجله فلسفه و کلام، المنار، ۱۲۸۰ ـ ش ۱۳۲، از ۸۱ تا ۹۹، مساله الغرانیق و تفسیر الآیات، محمد عبده.

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

وی در ادامه، منطق خاورشناسان را در کلام خاورشناس معاصر به نام "پیترز" منعکس می‌داند که معتقد است این ماجرا داستانی معتبر است و تصور اینکه چنین داستانی را یک مسلمان جعل کرده باشد غیرممکن است!.

نویسنده در ادامه با رویکردی ضمنی و پنهانی، درصدد تکرار القای شبهه‌ی مجدد خود مبنی بر مقبولیت گسترده این ماجرا از نظر مسلمانان دو سده‌ی نخست برمی‌آید و بیان می‌دارد که حداقل در نگاه آنان این موضوع شوم نبوده و یا با جعل آن مخالفتی نداشتند.

۳ـ٤ـ۷ـ۱. نقد و بررسی

باید گفت که حتی در صورت عدم اعتراف نویسنده بسی مشخص بود که نقل و حاشیه‌پردازی پیرامون این قصه، توسط برخی خاورشناسان، دلیلی جز کتمان حقیقت عصمت انبیاء خاصه نبی اسلام (ص) ندارد تا آن را به عنوان برهانی بر معصوم نبودن وحی مطرح کنند![1] و موضوع نبوت و قرآن را نهایتا تا سر حد پدیده‌ای بشری تنزل دهند، ضمن آنکه چنانچه پیشتر هم اشاره شد بر پذیرش این ماجرا در دو سده‌ی نخست هم هیچ سند معتبری وجود ندارد و مورخان و دانشمندان رجال بر بطلان چنین ادعایی اصرار دارند.

"شهاب احمد" ـ در پایان ـ اشاره‌ای هم به رمان آیات شیطانی سلمان رشدی در ۱۹۸۸ می‌کند و مدعی می‌شود که انتشار این رمان، موضوع آیات شیطانی را به نحو گستاخانه‌تری در بین امت اسلامی مطرح کرد و باعث واکنش خشمگینانه‌ی مسلمانان شد؛ وی می‌افزاید که انتشار این رمان باعث نشد تا واقعیت تاریخی این ماجرا میان مسلمانان دوباره به جریان بیفتد بلکه مواضع راست‌کیشان اسلامی را مجدد بازگو کرد.

مرحوم علامه عسگری در ردیه‌ای که بر رمان سلمان رشدی نگاشته بود می‌نویسد:

---

۱. و این حاشیه‌پردازی و بها دادن به افسانه‌ای سراسر کذب و جعل در عصر حاضر و موضوعاتی از این قبیل از جانب مستشرقان به دلیل گسترش و رواج فرهنگ ناب وحیانی و نبوی در سطوح بین‌المللی ملموس‌تر و بیشتر نمایان است و هر میزان عناد و روحیه‌ی بی‌انصافی از شدت بیشتری در این جریان رشد داشته باشد، قطعا در جهت رواج و دامن زدن به شبهه‌ی افسانه‌ی غرانیق تلاش بیشتری خواهد کرد.

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

"مستشرقان بسیاری این افسانه‌ی خرافی را مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند که از جمله ایشان است مستشرق هلندی "یوسف شناخت" که در دائرةالمعارف اسلامی تحت ماده‌ی "اصول" از آن بحث کرده است دیگری خاورشناس دانمارکی "بوهل" استاد دانشگاه لایپزیک است که در دائرةالمعارف مختصر اسلامی پس از بیان مقدماتی این افسانه را چون یک حقیقت ترسیم کرده است، پروفسور مونتگمری وات استاد علوم اسلامی و رئیس گروه زبان عربی دانشگاه ادینبرگ در اسکاتلند نیز در کتاب خود تحت عنوان "محمدالرسول و السیاسی" از آن سخن گفته است، تمامی نامبردگان این افسانه را زینت بخشیده‌اند و آن را با ظاهری تحلیلی و تحقیقی و علمی با مقدمات و موخراتی ارائه کرده‌اند تا آن که بالاخره مرتد روزگار ما سلمان رشدی که آخرین این سلسله هم نخواهد بود به طرح این افسانه آن هم به گونه‌ای خیالی و با در پیش گرفتن استهزاء و مسخرگی پرداخت."[۱]

نتایج مقاله

از آنچه مطرح شد، نتایج زیر بدست می‌آید:

۱ـ در مدخل آیات شیطانی و علیرغم تلاشی که نویسنده ـ شهاب احمد ـ در مسیر نوشتار مقاله خود نشان می‌دهد، اما به دلیل بطلان و ساختگی بودن اصل ماجرا و مخدوش بودن سند روایات، دچار تناقض‌گویی‌های متعدد شده و به نتیجه‌ای درست و معقول دست نمی‌یابد.

۲ـ هم‌آوایی منابع مورد استفاده "شهاب احمد" در مقاله با متون حدیثی و تفسیری متقدم اهل سنت خاصه تفسیر طبری، ابن اسحاق، بغوی و... در اسناد و الفاظ مشهود است اگرچه در بسیاری از منابع متقدم و متأخر اهل سنت هم بر جعلی بودن افسانه تاکید ورزیده‌اند اما نویسنده‌ی مدخل چندان توجهی به ذکر آنها نداشته است؛ به علاوه آنکه هم آوایی با هیچ یک از منابع حدیثی و تفسیری شیعه در ارجاعات نویسنده در مدخل مشاهده

---

۱. برای مطالعه بیشتر (نکـ : مجله علوم قرآن و حدیث: ش۲۶، ص ۲۸ مقاله‌ی آیات شیطانی ادامه‌ی ستیز فرهنگی میان اسلام و دشمنان آن).

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

نمی‌شود، البته نویسنده، شیعه را از اتهام پذیرش این قصه جعلی به دلیل اعتقاد به اصل آموزه‌ی عصمت مبرا می‌داند.

۳ـ با بررسی هم‌آوایی و هم‌سویی منابع قابل استفاده مشخص می‌شود که گزارشات تفسیر طبری؛ بغوی سرشار از اسرائیلیات بوده و اعتباری هم در استناد به آنها نیست.

۴ـ "شهاب احمد" به حل تقریر شبهه‌ی حاصله در مدخل آیات شیطانی که زیر سوال بردن عصمت نبی(ص) در دریافت وحی قرآنی است اهمیتی نمی‌دهد، حال آنکه بنابر محکمات عقلی، نصوص قرآنی و مستندات روایی و تفسیری متقن، هیچ اعتباری به افسانه غرانیق نیست.

۵ـ این قصه، دستاویزی برای مستشرقان و معاندان در طی قرون و سال‌های متمادی قرار گرفته است که به نظر می‌رسد "شهاب احمد" هم در لایدن همسویی خود را با سایر خاورشناسان تا حدود زیادی در مقاله‌ی خود نشان داده است، اگرچه که وانمود می‌کند تا بی‌طرفی و رویکرد منصفانه‌ای از خود در طرح موضوعات پیرامون داستان به تصویر بکشد، اما در واقع با تناقض‌گویی‌های بی‌شمار و عدم حساسیت به موضوع عصمت وحیانی پیامبر اسلام(ص) مقاله‌ی خود را با چالش‌ها و اشکالات قابل توجهی مواجه کرده است.

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آلوسی، ابوالفضل شهاب الدین سیدمحمود، روح المعانی فی تفسیرالقرآن، نشر داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی، تقریب التهذیب، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۴. بابایی، علی‌اکبر، تاریخ تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ۱۳۸۷ش.

۵. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیرالقرآن، تحقیق، عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۱۸ق.

۷. جین دمن مک اولیف، دائرة المعارف قرآن (لایدن)، چ ۱، مترجم؛ انتشارات حکمت، ۱۳۹۲ش.

۸. حسنین هیکل، حیاة محمد (ص)، بی‌جا، بی‌تا.

۹. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، دارالفکر، بی‌تا.

۱۰. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، نشر الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۱۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹ش.

۱۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل ...، چ ۳، بیروت دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷.

۱۳. زمانی، محمدحسن، نقد و بررسی آرای مستشرقان دربارهٔ قرآن، چ۲، قم موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیهٔ قم، ۱۳۸۷ش.

۱۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، چ ۲۶، قم بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

۱۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، طبقات الحفاظ، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.

۱۶. همو، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، نشر کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، نشرداراحیاء التراث العربی.

۱۸. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوک، چ ۲، بیروت دار التراث ۱۳۸۷ش.

۱۹. همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.

۲۰. طباطبایی؛ سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۳ و ۲۴، قم دفتر انتشارات جامعهٔ اسلامی مدرسین حوزه علمیهٔ قم، ۱۴۱۷ق.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران، ناصر خسرو ۱۳۷۲ش.

۲۲. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت دار احیاء التراث العربی.

۲۳. عروسی، حویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۲۴. فخرالدین رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، چ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]

۲۵. قاضی، عیاض، کتاب الشفا بتعریف الحقوق المصطفی، چ۱، نشردارالفکر، ۱۴۲۶ق.

۲۶. قرشی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چ ۳، تهران بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.

۲۷. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، کنز الدقائق و بحرالغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش، محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، دار صادر بیروت، بی‌تا.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۲۹. معارف، مجید، شناخت قرآن، (دفتر اول، قرآن و خاورشناسان) تهران، موسسه فرهنگی نباء، چ۱، ۱۳۹۴ش.

۳۰. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، چ ۵، تهران انتشارات سمت، ۱۳۸۲ش.

۳۱. مونتگمری وات، ویلیام، محمد (ص)، پیامبر سیاستمدار، مترجم، اسماعیل والی‌زاده، تهران، ۱۳۴۴ش.

۳۲. همو، التفسیر و المفسرون فی ثوبه الغشیب، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، مشهد، ۱۳۸۶ش، ۱۴۲۸ق.

۳۳. همو، التمهید فی علوم القرآن، قم موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۶ ش.

۳۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دارصادر بیروت، بی‌تا.

۳۵. نیشابوری، نظام الدین، تفسیر غرائب القرآن و رغائی الفرقان، چ۱، نشردارالکتب، ۱۴۱۶ق.

۳۶. مجله المنار، رشید رضا، فلسفله کلام، المنار، ۶ فروردین ۱۲۸۰ش، شماره۱۳۲؛ مسئله الغرانیق و تفسیر الآیات؛ محمد عبده از ۸۱ تا ۹۹.

۳۷. مجله علوم قرآن و حدیث، شکوه بهار ۱۳۶۹ش، ۲۶، سید مرتضی عسگری، مترجم حمیدرضا آژیر، مقاله "آیات شیطانی" ادامه ستیز فرهنگی میان اسلام و دشمنان آن.

38. The "EQ" Encyclopedia of the Quran. Volume Four, P- sh-Jane Dammen McAuliffe, General Editor, Brill, Leiden-Boston-2004.

39. Roshdie, Salman, Satanic verses, London, Walking Pub, 1988.

Downloaded from pdmag.info at 13:05 +0430 on Tuesday July 2nd 2019

[Downloaded from ejqh.ir on 2026-11-16]